



زیبایی - گلبرگ‌های زرین و چنین سکوتی!

دهانی آراسته، ماهی طلایی کم گشته در طره‌ی کیسو

باغ پاییزی، سبزه‌ای پژمرده، توپ کودکی

دشنه‌ای سوزان در قلب شب؛ ماه برفی

کاملیاهای سحرگامی، گرمای رفته‌ی زنبوران

چکاوک نره‌های آفتاب را بر زمین یخ‌زده می‌ریزد

دو کلمه، فقط دو کلمه، و میانشان جرقه‌ای!

نامزدی؛ گل برگ‌هایی با گل‌بندی از شب‌بنم

لبان شگفت‌زده‌ام نمی‌دانستند کجا ستایش کنند...

پرچم پاک برف، برافراشته بر آسمان آبی پاک

شب شهر، رنگین شده با نور، چون درخت کریسمس

جوانی؛ سبیدی لرزان از توت‌فرنگی و میخک!

گپی کوتاه، بخار بر لب‌های دخترکی

این دیدار پرشور در سایه‌ی معطر

الو، گل برگ‌های زندگی یکی یکی می‌ریزند!

چه زود، چه لاغر، در میان باران

لبخند بهمن ماه، شعله‌ای بی‌اعتراف

شب هنگام، چشمانی روشن و ستاره‌ای زیر نقاب

گاستون وارینگ نی پی

(۱۹۰۱-۱۹۹۱)

شاعر، زبان‌شناس، فرهنگ‌نویس

و مترجم فرانسوی

مترجم: هومن عباسپور

همه‌ی عمر خود را وقف پیشبرد زبان بین‌المللی اسپرانتو کرد. با بیش از بیست زبان، از جمله فارسی، آشنا بود و بر برخی از آن‌ها تسلط داشت. شانزده سال رئیس آکادمی زبان اسپرانتو بود. از آثار او می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«فرهنگ مصور اسپرانتو» (۱۹۳۰)؛ «دستور زبان جامع اسپرانتو» (۱۹۳۸)؛ و ترجمه‌ی گزیده‌ی اشعار فرانسه به اسپرانتو در چند مجلد. اما آن‌چه او را با ایران پیوند می‌دهد ترجمه‌ی مستقیم رباعیات خیام از فارسی به اسپرانتو است که این رباعیات را بر همان وزن رباعی، و در حد اسکان، با حفظ جایگاه قوافی ترجمه کرده است. در یک کلام، وارینگ نی پی مردی بود زمینی، نه سرزمینی.

